

کاپریس در اجتماع خوابزدگان

سخت شایع که همان تقاسان و اسامه به زورده های مخملت و اسنوه های کوباکون در قرن هجدهم میلادی در خرفه بود. تا مدت ها در غبار تکمیل و افرا و بایکوت نوپرداران و حسابدار اسده های نو اداهه داشت. رواج دیدگاه های تازه ای در باره ی زیبایی شناسی در نقاشی این بحث ها را باغ تر کرده بود. این که بومیان افریقا و حیره برداران و مجسمه سازان بومی مرکز هراران سال پیش از آن که اروپایی خانه این سرزمین ها وارد شوند که فلاح های برای زیبایی شناسی دانستند اندک اندک بحر و ابرده های جدید تقاسان و بنجر براسان را به سوی مبنای جهان سمول زیبایی شناسی سوق داد و همبر کرانسی باز افرینی واقعیت ها و زیبایی های طبیعت را به جای خوبی برداری محض بین کشید.

رمانسور بحاس از تازه ای هنر و بندها محافظه



خارانه و مبتلق برای در اواخر قرن هجدهم فصل تازه ای را کشود و بستری را فراهم ساخت تا بدینسانی نقل - مرانسیسکو کوبا با شجاعی حد تکثیر - تناسی را بر مبنای باز افرینی حرایت و رخدایهای جامع با جاشنی کلتر به روشی برای بعد های جذاب و اثر بخش اجتماعی به خدمت گیرند.

زندگی بر ماجرای خوابنایک بنزاری درنور و از آن دشمنه ی عضنی به دو تاره بعسید می شود فصل نخست معلق به درخسید حد تکثیر او در نقاشی و طرح های بدعی اسده که از او به نادران مانده است اما فصل زود زندگی نقاس که از ۱۷۲۰ سالگی آغاز می شود در برنده ی



عصری که گویا با کاپریس به استقبالش شتافته بود، هماهنگ شد.

فرانسیسکو گویا در واقع با مجموعی کاپریس در دو جبهه با نیش قلم طنز آمیزش ولرد پیکار شده بود. نخستین آماج حملات او دستگاه تفتیش عقاید حکومت اسپانیا و هدف دومش نقد خرافاتی بود که بخش اعظم جامعه اسپانیا در آن روزگار با آن ها دست به گریبان بودند.

با مروری بر طرح های مجموعه ی کاپریس که سوژه های آن ها ماهرانه توسط گویا انتخاب شده است، می توان نوع مناسبات اجتماعی را در اسپانیای آن زمان محک زد. در تمامی طرح های این مجموعه، چهره ها با اغراق های حساب شده ای که وی به خدمت گرفته است، هر آنچه را که در ضمیر پنهان بازیگران این صحنه ها می گذرد، بر ملا می سازد. گویا از یک سو اشراف و فرزندان فخر فروش و



خلافت و شجاعت کم نظیری است که وی در نقد مسائل اجتماعی، به ویژه در زمینه ی خرافات و عوام زندگی، از خود نشان می دهد. گویا با شیوه ای کاملاً نو و بدیع و باکسپرسیون های بسیار قوی و طرح هایی که آمیزه ای از حرکت، هیجان و طنزند، به نوعی نقاشی هجایی دست می یابد که در واقع یکی از فصل های مشترک و مهم میان نقاشی و کاریکاتور محسوب می شود. مجموعه ی طرح های انتقادی و طنز آمیز گویا که در این دوره تحت عنوان «کاپریس» از شهرتی جهانی برخوردار است سال های واپسین زندگی هنرمند است. او پس از یک بیماری طولانی و اسرار آمیز به نوعی انزوا و آرامش پناه برد. و در رویکردی تازه که کاملاً با تفکر و گرایش های فردی در دوره ای پیش از بیماری اش متفاوت بود به مطالعه ی کتاب ها و آثار روشنفکران به ویژه منابع متعلق به انقلاب کبیر فرانسه روی

آورد و تا مدت ها باروشنفکران دمخور می شود. مشاهده ی برخی مناسبات اجتماعی و سکون و رکودی که در رفتار هموعانش به چشم می آمد، او را به پدید آوردن طرح هایی تازه با شیوه ای متفاوت علاقه مند ساخت. گویا پس از آن که مجموعه کاپریس را در سال ۱۷۹۹ میلادی برای فروش عرضه کرد، با انبوهی از انتقادها و حملات تند مخالفان این سبک رویرو شد. اما آنچه که آرام آرام در عمق جامعه ی اسپانیا شکل می گرفت، با



لوس آنها را هدف می گیرد و از سوی دیگر، مجموعه ی عادات و خرافات اکثریت جامعه به ویژه فقرا را نقد می کند. شرح همراه طرح های وی که گفته می شود، شامل دست نوشته های هنرمند و یکی دو نفر از دوستان و روشنفکران همراه او است. ضمن کمک به فهم و درک آثار، مخاطب را با ژرف تگری غنی اش بیشتر آشنا می کند.

در طرح شماره ی ۲ مجموعه ی کاپریس، کودکی را می بینیم که سیمای همچون بزرگسال او را در زمره ی شاهزادگان یا دستکم نجیب زادگان اسپانیا قرار می دهد. در شرح کوتاه این تصویر آمده است: «آن ها با این که رشد می کنند، ولی هنوز رفتارشان بچه گانه است!»

گویا در طنزی که در پوششی ساده و کودکانه عرضه می شود، طیفی از رفتارهای فخر فروشانه طبقه ی اعیان اسپانیا را که در بیشتر لحظه های زندگی شان در پی هوسرانی و ارضاء تمایلات هیستریک و بیمارگونه ی خود بوده اند، آشکار می سازد.

او در کاپریس در هیئت یک اندرز دهنده نیز ظاهر می شود، اما پیامی را که او بر می گزیند با

آهنگ و حرکت طرح هایش همخوانی شگفتی دارند. حتی زمانی که هنرمند از یک فاجعه سخن می گوید این هشدار او از نیش طنز بی بهره نیست. برای شناخت محتوای آثاری که از گویا در مجموعه ی کاپریس عرضه شده است و تفاوت آشکار آن ها بانگرش جدی این هنرمند در کتابی به همین نام از او درباره ی مصیبت های جنگ منتشر گردیده، می توان درصدد مقایسه ی میان این دو مجموعه برآمد. در مصیبت های جنگ، طرح ها و نقاشی ها باری دراماتیک و فاجعه بار دارند. اما در مجموعه ی کاپریس، هنرمند با به کارگیری اغراق بیشتر در طرح ها، به ویژه چهره ها، حرکات و آناتومی، به کاربرد طنز در آثارش توفیق یافته است. حتی در یکی از طرح ها که جوان عاشق در سوک معشوق از دست رفته اش مویه می کند، و همچون بازیگر یک نمایشنامه ی کمدی، رفتاری

تصمیم از خود به نمایش نهاده است. در سیمای معسوق نیز جلوه های تلخ در تخیل مرد و فقدان زندگی برتری دارد.

یکی از ویژگی های نخستین برانکسر کویا در این مجموعه نمایش نیت های اجتماعی است. این کار با مباحثی که در دوران سختی هنرمند به قلم و ذوق او جان تازه ای بخشیده خواهد یافت.

کویا سبک کاری اجتماعی و خودی رفتار آن ها را با ترکیب بندی های بسیار زیبا و دقیق طرح ها و دقت در جزئیات چهره نمایش و حرکاتشان نمایش می دهد. در یکی از طرح ها می بینیم اساس یک باور خرافی در تلاش است تا دیدن های مردم به باز اویختن ای را برپایند تا از خرابی های مردمی آن برخوردار شود. ترکیب بندی این به گونه ای است که جانشینی طنز را با رگه هایی از خوف که به مخاطب منتقل می شود. تقویت می کند فضای خلویی که در آن حادثه می سرقت دیدن های مردم به باز اویخته شده در سرود وقوع است. سایه روشن های تلاش مضمت و در عین حال دلهره آور زن پانزده ساله می گوید با چهره ای خوفناک، اعدایی روبرو نشود ولی خرابی های نامرئی داخل نشان مرده را می کاود. همچون نمایشنامه های مولیر روحی اخلاقی از طنز را به مخاطب منتقل می کند.

در بعضی آثار کویا که در جزئیات چهره ها و چه در ترکیب بندی آن ها یکسره میدان را به طنز و کندی می سپارد. در تصویر مردانی که جزبصانه عدای داغ را می بلعند ولی دهان هایشان را برای اینکه نسوزد همچنان باز می گذارد. اشک و اجزاء تصویر در خدمت خندانین مخاطب قرار می گیرد. این اثر یک تاریخنگار است. به ویژه که طراحی و ترکیب چهره ها این کراسش به طنز برسیمی را تشدید می کند.

در طرح مربوط به مباحثی که یک آموزگار زن که از سوی دستگاه تخیلی عقاید اسپانیایی به اتهام روشنگری در جایگاه مجرمان شناس است. سیمای تکیده یک معلم بسیار عمیقانه است. اما گاه بومی بلندی که روی سر او گذاشته اند احساسی دوگانه به مخاطب می بخشد. اندکی آن سوزن و قبیله نگاه مخاطب بر روی برخی از چهره های حاضر در نمایش می دود. در می باشد که کویا در خلق تصاویر طنز طرح و در بند می عدالته اشکار دسپتاد نمایش عقاید از پیام دلنیز امیز خود غافل نبوده است. او می گوید پوسته ظاهری جدی بودن و هیبت جوانان را با یک تخیلی عقاید را با نمایش فیلم طنز امیرس برود و چهره های مضحک و تماشا می را که در پس این پوسته نهان شده اند. بنمایاند.

بر رنگ دارند. در یکی از طرح ها نامدین نماز او فخر فروشی اعیان و نجیب زادگان اسپانیایی عصرش را که نداده سجد و تسبی خود را به رخ می کشند و بر عناوین والقب خود می بالند. به سخره می خورد. در طرح دیگری نگاه ناآند و بغاوتان ای او منوجه ای شهادتانی است که به غلط لباس بزسکان را می پوشند و به جای درمان مردم آن ها را ملامت می کنند. در این اثر نیز هنرمند از نماد "خر" استفاده کرده است. خری که نمیش زدن بیماری را در دست دارد و سرگرد معاینه ای او است. در شرح کوتاه این اثر می خوانید:

بزرگشک او بسیار خوب است. بزرگشک با ملاحظه اراده و حسی است. چه چیز دیگری ممکن است مورد نیاز باشد؟

اما یکی از معروف ترین زیباترین و بهترین آثار کویا در این مجموعه طرحی است که با عنوان "وقتی عقل به خواب می رود. هیولاها بیدار می شوند" شپرت یافته است. این طرح از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار است که اگر آن را با تلخ سیاه آثار هنرمندان بزرگی چون "بویور" تا "برایمیلند" و "خورملین" مقایسه کنیم. با توجه به زمان خلق این می توانیم ادعا کنیم که کویا پیشتر از سبک طنز آمیز بوده است. این اثر از لحاظ ترکیب بندی عمیق صفحه. نحوه ای به کارگیری هاشورها و سایه روشن ها و میانه تر از همه اشتغال حس شد. تماشاگر هنری محسوب می شود. او با مباحثی که طنز هیولاهایی را ساخته است که معمولاً در کابوس و اوهام می توان سراغشان را گرفت. این هیولاها با سیمایی از جانوران درنده و نسی همچون برندگان با بالایی که به آن ها قدرت پرواز می دهد. تابی نهایت در خط افق در پروازند و به تری که در غفلت و فروماندگی بست میزی به خواب رفته است وجود آورده اند. برخی نویسندگان این اثر را متعلق به دوران طلایی بیماری هنرمند می دانند.

مجموعه ای "خابریس" و طرح های طنز امیز فرانسیسکو کویا همیشه از تازگی و طراوتی حیرت انگیز برخوردارند. چون هنوز هیولاها در پروازند و کویا با همچنان باید با تیش قلم خود خوابندگان را برسانند و هیولاها را برانند.

مضامین
 - طرح طنز چنان دریا است که در آن
 - در وقت استیصال از بهوش
 - در طبعی او می آید که با تیش قلم هیولاها را برانند

خابریس با قدرت شکنجی که در طنز برسیمی نهفته است و در سده های بعد کارنگاتور آن را حسنجیز و بر توان بر عرصه می کند. هر آنچه را که روح آزاد و آزاد منشی انسان و عدالت را به بند می کشد. همچو کند.

نمایشهای حیوانی بخصوص "خر" ناشناختنی که از ویژگی های او از دیدن این حیوان در فرسنگ ها جا افتاده است. در آثار طنز امیز کویا حضور

